جواب فضول‌ها را چگونه بدهیم؟

همه ما این تجربه را داریم که از سر کشیدن دیگران در زندگی و مسائل شخصی‌مان ناراحت شده‌ایم

هدی بانکی | مترجم

منبع: thespruce.com، mannersmentor.com

محوری

بعضی آدم‌ها گاهی ممکن است از سر کنجکاوی، درباره مسائل شخصی ما بپرسند اما عده‌ای از افراد به نظر می‌رسد همیشه به دنبال سرک کشیدن در زندگی دیگران و فضولی در کارهایی هستند که ربطی به آن‌ها ندارد یا کاملا خصوصی است. شاید شما جزو افرادی باشید که جواب سوال فضول‌ها را می‌دهید و با این که خوش‌تان نمی‌آید، مقاومتی نمی‌کنید اما بهترین واکنش در چنین مواقعی چیست؟ مهم‌ترین چیزی که باید به یاد داشته باشید این است که جواب بی‌ادبی را با بی‌ادبی دادن، به ندرت مشکلی را حل می‌کند. اگر واکنش شما بی‌ادبی باشد در واقع خودتان را در سطح کسی که بی‌ادبی را شروع کرده، پایین می‌آورید. همچنین جواب بی‌ادبی را با بی‌ادبی دادن، موقعیت را بدتر و احساسات بدی را در شما ایجاد می‌کند و باعث می‌شود شما، بدتر از کسی که فضولی و بی‌ادبی کرده، در نگاه دیگران جلوه کنید. با این حال، راه‌حل چیست؟

مودب و با ملاحظه باشید

آدم‌های فضول معمولا قبول ندارند که رفتارهای زشتی از خود نشان می‌دهند اما حتی اگر هم بدانند، باز هم شما نباید با رفتاری متقابل جواب‌شان را بدهید. این انتخاب شماست که جواب افراد فضول را بدهید یا نه، نادیده‌شان بگیرید یا از آن‌ها بپرسید چه می‌خواهند بدانند. هر واکنشی که نشان می‌دهید باید همراه با لبخند و لحنی ملایم باشد. در صورت امکان از شوخی و خنده برای تلطیف جواب‌تان استفاده کنید و سپس موضوع را تغییر دهید.

به چه سوالی، چطور پاسخ دهیم؟

یک سری از سوال‌های بی‌ادبانه که فضولی تلقی می‌شوند، معمولا رواج بیشتری دارند. بنابراین برای زمان‌هایی که ممکن است توسط یک فرد فضول غافل گیر شوید، می‌توانید از قبل آماده شوید. به این صورت که از قبل بدانید چه جوابی باید بدهید تا طرف مقابل‌تان بداند شما سوال‌های او را بی‌ادبی تلقی می‌کنید. برای برخورد با چنین افرادی چند راه وجود دارد: جوابی را که به دنبالش هستند بدهید، با شوخی و مزاح موقعیت را تغییر دهید یا به طریقی به آن‌ها بفهمانید که بابت پرسیدن چنین مسائلی آن‌ها را گستاخ و بی‌ادب محسوب می‌کنید. در ادامه به چند سوال رایج و بهترین شیوه پاسخ دادن به آن‌ها اشاره می‌شود.

چقدر پول در میاری؟

سوال کردن درباره پول و میزان درآمد با این که فضولی و بی‌ادبی محسوب می‌شود اما نسبتا شایع است. برای جواب دادن به این سوال چند انتخاب دارید که بسته به این که چه کسی آن را از شما می‌پرسد، متفاوت است، این که آن فرد همکارتان است یا کسی که در هواپیما کنارتان نشسته یا فامیل است. ساده‌ترین جواب این است که بگویید هرگز با کسی در خصوص پول و درآمدتان صحبت نمی‌کنید جز همسرتان. بیشتر افراد این را می‌پذیرند اما عده‌ای نیز هستند که بی‌خیال نمی‌شوند و ممکن است با پافشاری یا توهین بخواهند وادارتان کنند جواب‌شان را بدهید. در تله این افراد نیفتید. آن‌قدر موضوع صحبت را عوض کنید تا او بالاخره پیام شما را دریافت کند. یک راه دیگر هم این است که با شوخی و طنز جواب بدهید مثلا بگویید: «درآمدم آن‌قدری است که بتوانم قبض‌ها و وام‌هایم را پرداخت کنم» و بخندید یا «درآمدم آن اندازه نیست که بتوانم هر کاری دوست دارم، انجام بدهم، خودت چطور؟»

چند سال داری؟

بعضی اشخاص مشکلی با گفتن سن‌شان ندارند و روی این موضوع حساس نیستند اما برخی دوست ندارند کسی درباره سن و سال‌شان از آن‌ها سوال کند. اگر در مواردی که لازم نیست طرف مقابل سن‌تان را بداند، این سوال از شما شود باز هم انتخاب خودتان است که به شوخی و طنز جواب بدهید و موضوع را عوض کنید یا این که به صراحت و مودبانه اعلام کنید معمولا درباره سن‌تان با کسی حرف نمی‌زنید.

این خانه را چند خریدی؟

این هم یک سوال متداول دیگر درباره پول است که کسی نباید وادارتان کند تا به آن جواب بدهید. اگر آدم مودبی باشید اما واقعا دل‌تان نخواهد در خصوص قیمت خانه‌تان با کسی حرف بزنید، می‌توانید بگویید: «همان اندازه که خانه‌ها در این محله قیمت دارند. خانه بسیار راحت و دوست داشتنی است و از همان اول که قدم در آن گذاشتم حس خوبی به آن پیدا کردم ...» و بدین ترتیب فورا موضوع صحبت را عوض کنید تا طرف مقابل‌تان بداند دوست ندارید درباره قیمت این خانه حرفی بزنید. اگر او همچنان اصرار داشت بداند چقدر برای این خانه پول داده‌اید، می‌توانید به او پیشنهاد کنید سری به بنگاه‌ها یا وبسایت‌های مربوط بزند و قیمت بگیرد!

هنوز مجردی؟

خیلی از دخترها و پسرهایی که دهه ۲۰ و ۳۰ زندگی خود را طی می‌کنند، این تجربه را دارند. این سوال معمولا توسط بستگان یا دوستانی مطرح می‌شود که دوست دارند شما را شاد و خوشحال ببینند اما شنیدن مکرر آن، مطمئنا شادتان نمی‌کند. مثلا به طرف مقابل بگویید هنوز کسی را که دوست دارید باقی عمرتان را با او زندگی کنید، پیدا نکرده‌اید و اگر چنین کسی را پیدا کنید، به هر کسی که مایل است بداند اعلام خواهید کرد! و درست مانند توصیه‌هایی که در بالا گفتیم، موضوع صحبت را عوض کنید.

چرا این‌قدر چاق (لاغر) شدی؟

اگر شما وزن کم یا اضافه کنید، مطمئنا در ظاهرتان پیداست و نیازی به پرسیدن ندارد اما وقتی کسی این موضوع را به رخ‌تان می‌کشد و با بی‌ملاحظگی با لحن خاصی این سوال را از شما می‌کند، لبخند بزنید و بگویید: «من خیلی حالم خوب است، شما چطور؟» همین جمله باید این پیام را برساند که علاقه‌ای به ادامه این موضوع ندارید و نمی‌خواهید این سوال بی‌ادبانه را جواب بدهید.

نگرانی‌تان قابل درک است اما ...

این خیلی خوب است که شما با وجودی که در گذشته به مدیریت روابط خود اهمیتی نمی‌دادید، اکنون به مراقبت از زندگی مشترک و تعهد به همسر خود توجه خاصی دارید. با این حال، کنجکاوی‌های همسرتان راجع به دوران مجردی‌تان، شما را دچار نگرانی کرده و البته ترس شما از این مسئله قابل درک است. این که همسر شما پس از دریافت این اطلاعات چه قضاوت و دیدی درباره شما پیدا کند، آیا ممکن است به شما بی‌اعتماد شود یا ... از جمله افکار و سؤالاتی است که احتمالا ذهن شما را درگیر و احساساتی مثل احساس ارزشمند نبودن، احساس گناه، ناامنی و اضطراب، نگرانی و ترس را در شما ایجاد کرده است. البته بهتر است قبل از هر توصیه‌ای به این سوال هم پاسخ بدهید که ردپای گذشته شما در این روزهای زندگی مشترک‌تان اثری داشته است؟ مثل مشکلات زناشویی یا آسیب جسمی و روانی که ایشان به این موضوعات حساس شده و به دنبال سرنخی برای آن است یا این که به تازگی نشانه‌هایی از گذشته شما از طریق عکس، فیلم یا شخصی که برای زندگی مشترک شما مزاحمت ایجاد کرده، پیدا شده و ذهن ایشان را مشغول کرده است؟ در صورتی که وجود هر علت و مسئله‌ای در زندگی مشترک‌تان مربوط به گذشته شماست، بهتر است به برطرف کردن آن بپردازید تا همسرتان نیز به احساس امنیت و آرامش برسد و اگر مزاحمت از طرف فردی وجود دارد، حتما با قاطعیت پیگیر این مسئله از طریق مشاور حقوقی یا مراجع ذی‌صلاح باشید.

خودتان را جای همسرتان بگذارید

یک توصیه دیگر این که خودتان را جای همسرتان بگذارید تا بتوانید از دریچه نگاه او مسئله را ببینید و بفهمید نگران چه چیزی است؟ معمولا افراد وقتی متوجه می‌شوند شریک زندگی آن‌ها در گذشته گرفتار اعتیاد، جرم یا مسئله‌ای بوده، ترس از بازگشت مجدد آن مسئله یا برگشت به گذشته، آن‌ها را نگران می‌کند و موجب شک و تردید و بی‌اعتمادی آن‌ها می‌شود. بنابراین بهتر است به جای مانع شدن از کنجکاوی شوهرتان، ضمن بهبود روابط خود با همسرتان و ایجاد حس امنیت عاطفی و روانی، احساساتش را درک و در مقابل پرس‌وجوهایش درباره گذشته‌تان، ابتدا آرامش خود را حفظ و از او سوال کنید: «به تازگی متوجه کنجکاوی‌هات درباره دوران مجردی‌ام شدم اما نمی‌تونم بفهمم چه چیزی داره تو رو راجع به گذشته من و احتمالا آینده زندگی مشترک‌مون نگران می‌کنه. می‌تونی به من کمک کنی بفهمم؟» و احساس خودتان را هم بابت کنجکاوی‌هایش این‌طور بیان کنید: «وقتی می‌بینم دوست داری از گذشته خودم برات حرف بزنم، حس خوبی ندارم و این سؤالات حال منو بد می‌کنه. می‌خوام بیشتر به الان که با هم هستیم، برسیم و راجع به آینده برنامه‌ریزی و همفکری کنیم.»

تا حد امکان درباره گذشته‌تان اطلاعات ندهید

در پایان بهتر است تا جایی که امکان دارد از گذشته خود اطلاعات و جزئیات در اختیار همسرتان قرار ندهید تا به مرور این حساسیت کم شود چون دانستن هر مطلب و خبری درباره گذشته شما، کلی خبر و داستان جدید تولید می‌کند و ممکن است باعث برهم خوردن آرامش وی شود. در صورت امکان از مشاوره حضوری و زوج درمانی برای بهره‌مندی بیشتر کمک بگیرید.

بانوان

جسیکا، اولین بانوی خلبان بدون دست!

خانمی که ثابت کرد برای رسیدن به اهداف، همیشه راهی وجود دارد

فرنگیس یاقوتی | مترجم

منبع: aerotime.aero

گاهی احساس شکست می‌کنیم چون چیزی در زندگی‌مان هست که درست کار نمی‌کند یا مثلا احساس بازنده بودن می‌کنیم زیرا هدفی را که مدت طولانی به دنبال آن بودیم، از دست داده‌ایم و گاهی از زمین و زمان می‌نالیم. گاهی داستان‌هایی را می‌شنویم که مثلا فردی از دل سیاهی‌ها و مشکلات خودش را نجات داده و به هدف‌هایش رسیده است اما باورش نمی‌کنیم و در همه این داستان‌ها درسی بزرگ وجود دارد که برای رسیدن به اهدافت همیشه راهی هست اما معمولا آن راه پر از سختی و مشکلات خواهد بود. قصه زندگی «جسیکا کاکس» یکی از همین داستان‌هاست. او اولین زن بدون دست است که با وجود معلولیت موفق به دریافت گواهی نامه خلبانی شده است. در ادامه با او و مسیر زندگی‌اش بیشتر آشنا خواهید شد.

از آرزوهایت نترس!

جسیکا در سال ۱۹۸۳ در آمریکا با یک معلولیت بزرگ به دنیا آمد، او دست نداشت اما هیچ‌وقت از رویاهایش دست نکشید و ثابت کرد ترس و معلولیت او را از آرزوهایش دور نکرده است. پس از تولدش، پدر و مادر و پزشکان از دیدن او شوکه شدند. آن هم زمانی که در آزمایش‌های دوران بارداری ناهنجاری یا مشکلی دیده نمی‌شد. از همان ابتدا پدر و مادر جسیکا تصمیم گرفتند او را از زندگی و فعالیت‌های عادی محروم نکنند و او را به مدرسه عادی کنار کودکان دیگر فرستادند. نکته مهم زندگی او این بود که جسیکا هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد ترس او را از آرزوهایش دور کند.

پذیرفتن مشکلات، رمز رسیدن به موفقیت

جسیکا در ۱۱ سالگی روزی در راه مدرسه تصمیم گرفت دست‌های مصنوعی را که از ابتدای تولد همراهش بود و هیچ‌وقت با آن‌ها احساس راحتی نکرده بود، کنار بگذارد و به جای آن از پاهایش بیشتر استفاده کند. او با این که می‌دانست راه سختی در پیش دارد و عده‌ای ممکن است او را مسخره کنند اما همان لحظه تصمیم گرفت که دیگر از دست‌های مصنوعی‌اش استفاده نکند. خودش در یکی از مصاحبه‌های اخیرش، همین پذیرفتن مشکلات و سختی‌ها به جای انکار و ناامید شدن را رمز رسیدن به موفقیت‌های فعلی‌اش دانسته است.

یافتن راه‌حل به جای غصه خوردن!

جسیکا در دانشگاه رشته روان‌شناسی را انتخاب کرد و در سال ۲۰۰۵ دانش‌آموخته شد. پس از پایان دانشگاه و گرفتن مدرک کارشناسی، گواهی‌نامه رانندگی گرفت و سپس به سمت ورزش رفت و موفق به دریافت کمربند مشکی تکواندو شد. در تمام سال‌های زندگی‌اش او فقط یک آرزو داشت و آن هم پرواز بود و در عین حال از پرواز می‌ترسید. در همان سال‌هایی که رویای پرواز گاهی به سراغش می‌آمد، یک مرکز خیریه برای او بورس تحصیلی گرفت و کمک کرد تا او یک خلبان شود. او طی سه سال آموزش‌ها را به پایان رساند و در نهایت موفق شد مدرک خلبانی خود را بگیرد و از پاهایش به جای دستانش برای پرواز استفاده کند. جسیکا به جای این که از نداشتن دست غصه بخورد و زندگی‌اش را با حسرت گره بزند، تصمیم به یافتن راه‌حل دیگری برای رسیدن به آرزوهایش گرفت و آن کمک گرفتن از پاهایش بود. او تا کنون به ۲۳ کشور مختلف سفر و قصه زندگی‌اش را برای کسانی که به دنبال رسیدن به آرزوهایشان هستند تعریف کرده و با حرف و نشان دادن موفقیت‌هایش، زندگی‌های بسیاری را تغییر داده است.

مشاوره زوجین

شوهرم مدام درباره گذشته پر حاشیه‌ام سوال می‌کند

خانمی ۲۹ ساله‌ام و قبل از ازدواج، در مهمانی‌های نامناسب شرکت می‌کردم. تا این که دو سال پیش، پسری از من خواستگاری کرد و عاشقش شدم. الان نزدیک چهار ماه است ازدواج کرده‌ایم. نمی‌دانم چرا به تازگی بیش از حد درباره گذشته من می‌پرسد. این که با چه کسانی بودم، چه کارهایی کردم و ... . بعد از آشنایی با شوهرم، رفتارم را اصلاح کردم. چطور مانع این کنجکاوی‌هایش شوم؟

زهره حسینی | مشاور و دانش‌آموخته دانشگاه علامه طباطبایی

برخی افراد گذشته‌ای دارند که آن را دوست ندارند و گاهی پس از یک رویداد مهم در زندگی مثل تحول روحی یا معنوی، بیماری، آشنایی با یک فرد موفق یا حتی ازدواج، سعی در اصلاح و جبران آن دارند. اطلاعاتی که ما از شما داریم، این است که در دوران مجردی، خود را ملزم به رعایت حد و مرز ارتباط با جنس مخالف نمی‌کردید و به خط قرمزهای زندگی بی‌اعتنا بودید اما پس از ازدواج به رعایت حریم زناشویی متعهد هستید و از روابط فرازناشویی دوری می‌کنید.

نگرانی‌تان قابل درک است اما ...

این خیلی خوب است که شما با وجودی که در گذشته به مدیریت روابط خود اهمیتی نمی‌دادید، اکنون به مراقبت از زندگی مشترک و تعهد به همسر خود توجه خاصی دارید. با این حال، کنجکاوی‌های همسرتان راجع به دوران مجردی‌تان، شما را دچار نگرانی کرده و البته ترس شما از این مسئله قابل درک است. این که همسر شما پس از دریافت این اطلاعات چه قضاوت و دیدی درباره شما پیدا کند، آیا ممکن است به شما بی‌اعتماد شود یا ... از جمله افکار و سؤالاتی است که احتمالا ذهن شما را درگیر و احساساتی مثل احساس ارزشمند نبودن، احساس گناه، ناامنی و اضطراب، نگرانی و ترس را در شما ایجاد کرده است. البته بهتر است قبل از هر توصیه‌ای به این سوال هم پاسخ بدهید که ردپای گذشته شما در این روزهای زندگی مشترک‌تان اثری داشته است؟ مثل مشکلات زناشویی یا آسیب جسمی و روانی که ایشان به این موضوعات حساس شده و به دنبال سرنخی برای آن است یا این که به تازگی نشانه‌هایی از گذشته شما از طریق عکس، فیلم یا شخصی که برای زندگی مشترک شما مزاحمت ایجاد کرده، پیدا شده و ذهن ایشان را مشغول کرده است؟ در صورتی که وجود هر علت و مسئله‌ای در زندگی مشترک‌تان مربوط به گذشته شماست، بهتر است به برطرف کردن آن بپردازید تا همسرتان نیز به احساس امنیت و آرامش برسد و اگر مزاحمت از طرف فردی وجود دارد، حتما با قاطعیت پیگیر این مسئله از طریق مشاور حقوقی یا مراجع ذی‌صلاح باشید.

خودتان را جای همسرتان بگذارید

یک توصیه دیگر این که خودتان را جای همسرتان بگذارید تا بتوانید از دریچه نگاه او مسئله را ببینید و بفهمید نگران چه چیزی است؟ معمولا افراد وقتی متوجه می‌شوند شریک زندگی آن‌ها در گذشته گرفتار اعتیاد، جرم یا مسئله‌ای بوده، ترس از بازگشت مجدد آن مسئله یا برگشت به گذشته، آن‌ها را نگران می‌کند و موجب شک و تردید و بی‌اعتمادی آن‌ها می‌شود. بنابراین بهتر است به جای مانع شدن از کنجکاوی شوهرتان، ضمن بهبود روابط خود با همسرتان و ایجاد حس امنیت عاطفی و روانی، احساساتش را درک و در مقابل پرس‌وجوهایش درباره گذشته‌تان، ابتدا آرامش خود را حفظ و از او سوال کنید: «به تازگی متوجه کنجکاوی‌هات درباره دوران مجردی‌ام شدم اما نمی‌تونم بفهمم چه چیزی داره تو رو راجع به گذشته من و احتمالا آینده زندگی مشترک‌مون نگران می‌کنه. می‌تونی به من کمک کنی بفهمم؟» و احساس خودتان را هم بابت کنجکاوی‌هایش این‌طور بیان کنید: «وقتی می‌بینم دوست داری از گذشته خودم برات حرف بزنم، حس خوبی ندارم و این سؤالات حال منو بد می‌کنه. می‌خوام بیشتر به الان که با هم هستیم، برسیم و راجع به آینده برنامه‌ریزی و همفکری کنیم.»

تا حد امکان درباره گذشته‌تان اطلاعات ندهید

در پایان بهتر است تا جایی که امکان دارد از گذشته خود اطلاعات و جزئیات در اختیار همسرتان قرار ندهید تا به مرور این حساسیت کم شود چون دانستن هر مطلب و خبری درباره گذشته شما، کلی خبر و داستان جدید تولید می‌کند و ممکن است باعث برهم خوردن آرامش وی شود. در صورت امکان از مشاوره حضوری و زوج درمانی برای بهره‌مندی بیشتر کمک بگیرید.

قرار و مدار

روز غافل گیر کردن پدربزرگ‌ها

پدربزرگ‌ها چون مرد هستن، معمولا کمتر احساسات‌شون رو بروز میدن. امروز برنامه‌ریزی کنین تا بدون اطلاع قبلی، بهشون سر بزنین تا غافل گیر بشن و ازشون بخواین براتون از خاطرات روزهای جوانی و تجربیات‌شون بگن ...

از دنیای روان شناسی

درک دختران از ریاضیات بهتر است یا پسران؟!

معمولا و از قدیم گفته‌اند درک پسران از مفاهیم ریاضی بهتر است و به همین دلیل در مهارت‌های مهندسی هم موفق‌تر خواهند بود اما آیا این مسئله، ریشه علمی دارد؟ به تازگی محققان دانشگاه «اراسموس روتردام» در تحقیقی جالب به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. به گزارش ایسنا و به نقل از نیوزویک، به تازگی محققان دانشگاه «اراسموس روتردام» با انجام یک تحقیق دریافته‌اند مهارت پسران و دختران در ریاضیات یکسان است و این ادعا را که زنان به دلیل تفاوت‌های بیولوژیکی در مهارت‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی ضعیف‌تر هستند، رد کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که دختران و پسران مغز مشابهی دارند و در میزان درک مفاهیم ریاضی هم شبیه یکدیگرند.

نحوه انجام این پژوهش

در این تحقیق، هزار و ۱۰۴ کودک ۳ تا ۱۰ سال بررسی شده‌اند. نصف این افراد دختر بودند و تمام آن‌ها یک فیلم آموزشی را مشاهده کردند که شامل مفاهیم ریاضی از قبیل شمارش بود. البته محققان پروژه فعالیت مغز کودکان را هم با استفاده از اسکن ام. آر. آی زیر نظر گرفتند و در نهایت نتایج تمام اسکن‌ها را با یکدیگر مقایسه کردند. به این ترتیب فعالیت‌های مغز کودکان را با بزرگ‌سالان هم قیاس کردند و برای این کار از ۳۸ مرد و ۲۵ زن هم خواستند در پروژه شرکت و همان ویدئو را مشاهده کنند. بر اساس اطلاعات به دست آمده، هیچ تفاوتی میان عملکرد یا پیشرفت مغز کودکان با یکدیگر وجود نداشت و پسران و دختران در برابر ویدئوی پخش شده، عملکرد یکسانی از خود نشان دادند. این گروه همچنین نتایج یک آزمون ریاضی را که از کودکان ۳ تا ۸ سال دریافت شده بود، بررسی کردند. نصف این کودکان هم دختر بودند و نتایج نشان داد عملکرد هر دو جنسیت با هم به یک اندازه خوب بود. در واقع از نظر آماری، دختران و پسران در خصوص بلوغ عصبی در مغز، نرخ مشابهی داشتند. محقق ارشد پروژه در این باره اظهار کرد، تحقیق ما قدرت زنان در آزمون‌ها را مشخص می‌کند که بعضی تاکنون نادیده گرفته شده است.

ما و شما

راه ارتباطی با زندگی سلام: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*پرونده «نوابغی که قربانی اختراع خودشان شدند»، ماجرای فرانزریشلت یا همان ناجی خلبانان از همه عجیب‌تر بود که برای ساخت چتر نجات، خودش را به کشتن داده بود.

*مطلب علایم سندروم چارلز بونت؛ توهم نابینایی در صفحه سلامت خوب بود. ممنون بابت مطالب جالب و کاربردی که در این صفحه چاپ می‌شود.

*پرونده امروز خیلی تلخ بود! این همه تلاش برای یک اختراع و آخرش مرگ؟ تلخه واقعا.

*واقعا ۴۰ درصد دخترها فوبیا دارن که شاید نتونن ازدواج کنن؟ من پسرم و نمی‌تونم درک‌شون کنم ولی فوبیای باحالی به نظر میرسه!

میثم

*وقتی عکس‌های «سحر تبر» رو دیدم، حالم دگرگون شد. در زندگی سلام بنویسید آیا می‌شود از چنین افرادی به دلیل انتشار عکس‌های اشباح‌گونه به جرم ترساندن شکایت کرد؟ در دیگر کشورها، چطور؟ چنین امکانی هست؟

*این که خانواده‌های افراد معتاد طبق جدیدترین آمارها حدود ۱۰ میلیون نفر هستند، شوکه کننده است چون هیچ فردی به فکر این خانواده‌ها نیست و با مشکلات متعددی درگیر هستند. پدر خود من، سه بار ترک کرده ولی موفق نشده است. می‌گوید با این شرایط اقتصادی، نمی‌توانم مصرف نکنم. به نظر شما مقصر کیست؟

*زندگی سلامی‌های عزیز، یک توصیه به شما دارم. بیایید با مطالعه دقیق‌تر صفحات سلامت و خانواده، بیشتر حواس‌مان به سلامت جسم و روان‌مان باشد. موفق باشید.

رضا فرهادزاده، مشهد